



Explaining Students' Experiences Regarding the Barriers and Strategies for Promoting Islamic Dress with an Emphasis on Citizenship Rights: A Content Analysis Study

Morteza Darabinia¹, Mostafa Moallemi^{1*}

1. Associate Professor,
Department of Islamic
Thought, Faculty of
Medicine, Mazandaran
University of Medical
Sciences, Sari, Iran

***Corresponding Author:**

Mostafa Moallemi, Associate
Professor, Department of
Islamic Thought, Faculty of
Medicine, Mazandaran
University of Medical
Sciences, Sari, Iran.

Email:

moallemi@mazums.ac.ir

Received: 31 Oct 2025

Revised: 07 Jun 2026

Accepted: 16 Sep 2026

Abstract

Background and Objectives: The Islamic dress code is part of Islamic teachings and is recognized as a cultural and religious symbol. Research in this field can strengthen national and religious identity. This study aimed to gain a deeper understanding of students' perspectives on the barriers and strategies for promoting the culture of Islamic dress, with an emphasis on citizenship rights.

Materials and Methods: This qualitative study was conducted using a conventional content analysis approach. Participants were students at Mazandaran University of Medical Sciences, selected purposively. Data were collected through detailed written responses to an open-ended question. For data analysis, the qualitative approach of Graneheim and Lundman was used, and Guba and Lincoln's criteria were applied to ensure the study's trustworthiness and rigor.

Results: The findings of this research included two main categories (themes): "barriers influencing the culture of hijab" and "strategies for promoting the culture of hijab." The subcategories under barriers influencing the culture of hijab included lack of positive attitudes and insufficient awareness among youth, cultural challenges, and the significance of addressing challenges related to Islamic dress. The subcategories under strategies for promoting the culture of hijab included public awareness-raising, cultural development within families, improving national welfare, and effective organizational supervision.

Conclusion: Given that a lack of awareness among youth, the existence of cultural challenges in society, and the importance of confronting the challenges surrounding Islamic dress were key findings of this study, it is essential to begin public awareness efforts from early ages within families and schools. Fundamental cultural development should occur at both the family and community levels, alongside initiatives to improve national welfare.

Keywords: Citizenship rights, Hijab, Qualitative study, Students

► **Citation:** Darabinia M, Moallemi M. Explaining Students' Experiences Regarding the Barriers and Strategies for Promoting Islamic Dress with an Emphasis on Citizenship Rights: A Content Analysis Study. Religion and Health. Spring & Summer 2026;14 (1): 53-65 (Persian). DOI: 10.22034.Jrh.14.1.53



تبیین تجربیات دانشجویان نسبت به موانع و راهکارهای گسترش پوشش اسلامی با تأکید بر حقوق شهروندی: یک مطالعه تحلیل محتوا

مرتضی دارابی‌نیا^۱، مصطفی معلمی^{۱*}

چکیده

سابقه و هدف: پوشش اسلامی بخشی از آموزه‌های اسلامی است و به‌عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و مذهبی شناخته می‌شود و تحقیقات در این زمینه می‌تواند به تقویت هویت ملی و مذهبی یاری رساند، این مطالعه با هدف درک بهتری از دیدگاه‌های دانشجویی درخصوص موانع و راهکارهای گسترش فرهنگ پوشش اسلامی با تأکید بر حقوق شهروندی به انجام رسید.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع کیفی بوده و از طریق رویکرد تحلیل محتوای قراردادی به انجام رسید. مشارکت‌کنندگان دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها بر مبنای دریافت پاسخ‌های نوشتاری تفصیلی به سؤال باز صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از رویکرد کیفی گرانیم و لوندمن و برای بررسی صحت و استحکام مطالعه از معیارهای گوبا و لینکلن استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش شامل ۲ طبقه اصلی (تم) «موانع مؤثر بر فرهنگ حجاب» و «راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب» بودند. زیرطبقه موانع مؤثر بر فرهنگ حجاب، نبود نگرش مثبت و کمبود آگاهی جوانان، وجود چالش‌های فرهنگی، اهمیت نوع مقاله با چالش پوشش اسلامی و زیرطبقه راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب، آگاه‌سازی عمومی جامعه، فرهنگ‌سازی در خانواده، بهسازی و رفاه ملی و نظارت بهینه سازمان‌ها بودند.

استنتاج: با توجه به اینکه کمبود آگاهی جوانان، وجود چالش‌های فرهنگی در جامعه و اهمیت نحوه مقابله با چالش پوشش اسلامی از یافته‌های مهم این مطالعه بودند، ضرورت دارد آگاه‌سازی عمومی از سنین پایین در خانواده و مدرسه آغاز شود، فرهنگ‌سازی بنیادین در سطح خانواده و جامعه صورت گیرد و هم‌سو با آن گام‌هایی برای بهسازی رفاه ملی برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: حجاب، دانشجویان، حقوق شهروندی، مطالعات کیفی

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
* مؤلف مسئول:
مصطفی معلمی، دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

Email:

moallemi@mazums.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

اصلاحات: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

◀ **استناد:** دارابی‌نیا، مرتضی؛ معلمی، مصطفی، تبیین تجربیات دانشجویان نسبت به موانع و راهکارهای گسترش پوشش اسلامی با تأکید بر حقوق شهروندی: یک مطالعه تحلیل محتوا. دین و سلامت، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵



مقدمه

پوشش اسلامی بخشی از آموزه‌های اسلامی است و به‌عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و مذهبی شناخته می‌شود. وجوب حجاب و عفاف در قرآن کریم در آیات از جمله در آیات شریفه ۳۱ و ۶۰ سوره مبارک نور و آیات شریفه ۵۳ و ۵۵ و ۵۹ سوره مبارک احزاب تصریح شده است، خداوند در آیه ۳۱ سوره مبارک نور می‌فرماید: «زنان (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه) با آن پوشانده شود» و در آیه ۵۹ سوره مبارک احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو، پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند (بر خود افکنند)». بنابراین اصل وجوب پوشاندن غیر وجه و کفین مورد اتفاق است و از نظر قرآن، حدیث و فتاوی اختلافی در این مورد وجود ندارد (۱). اولین دلیل وجودی حجاب را «مهار آتش شهوت و آرامش روانی» می‌داند (۲). نویسندگان دیگر به مواردی از قبیل مصون نگاه داشتن زن از نگاه‌های آلوده، تقویت حضور زنان در جامعه، و کنترل غریزه جنسی اشاره کرده‌اند (۳، ۴) و فراتر از آن حجاب شاخص دین‌داری دانسته شد که به‌عنوان منبع شخصی، رابطه مثبت و منحصربه‌فردی با کیفیت روابط در فضای خانواده دارد (۵). به همین دلیل این اعتقاد وجود دارد که اگر ضرورت و نقش حجاب در اجتماع به‌خوبی تبیین شود، زمینه‌های توسعه و ترویج آن به‌راحتی و با مشارکت همه مردم فراهم خواهد شد (۶).

به نظر می‌رسد امروزه جوامع اسلامی در بحث حجاب، نیازمند نوعی گذار هستند؛ گذاری که از تقلید، عادت و تبعید از سر اکراه به مرحله آگاهی و معرفت باشد. چنانکه اغلب، زنان بیشتر از بعد اعتقادی به حجاب می‌نگرند و از لحاظ رفتاری، کمتر به آن عمل می‌کنند (۷). امروزه به مسئله حجاب صرفاً در قالب شرعی و دینی نگریسته نمی‌شود، چراکه در مقام اجرا، بُعد مهمی از موضوع حجاب با حقوق شهروندان و نقش دولت پیوند می‌خورد و مجریان نیز در این مسیر، به اصل قانونی بودن حجاب برای الزام شهروندان به پوشش اسلامی استناد می‌کنند (۸). در مقابل، شهروندانی که از اجرای دستور پوشش شرعی امتناع می‌ورزند، به حقوق اساسی شهروندی، همچون آزادی در انتخاب پوشش و حفظ

دین و سلامت، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

کرامت شهروندان استناد می‌کنند. از دیدگاه آنان حفظ کرامت افراد همانند بانوان بی‌حجاب نیز از جمله اموری است که مورد مذاقه دین قرار گرفته است و حکومت اسلامی باید به‌عنوان یک آسیب اجتماعی با این مقوله برخورد مناسب کند (۹).

به نظر می‌رسد دوقطبی محسوسی بین باورمندان به مواجهه قهری حکومت با پدیده بی‌حجابی از یک‌سو، و طرفداران راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و غیراجباری با ناقضان پوشش شرعی از سوی دیگر سر برآورده است. گروه اخیر لزوم درونی‌سازی گرایش به حجاب، افزایش خودپنداره و تصور مثبت بانوان نسبت به پوشش شرعی، اصلاح نظام شناختی و بازتعریف حجاب را راهکاری برگزیده برای رعایت حجاب توسط بانوان می‌دانند (۱۰)، درحالی‌که طرفداران برخورد قهری اعتقاد دارند که حکومت می‌تواند اتباعش را ملزم به انجام عمل مشروع یا ترک فعل نامشروع کند. به‌باور آنان، از منظر شارع مقدس نیز حاکم اسلامی از آنجاکه ولایت بر مردم دارد می‌تواند بر مبنای قانون و شریعت اسلامی افراد جامعه را، چه بدان امر اعتقاد داشته باشند یا نداشته باشند، به عمل یا ترک آن الزام کند. حاکم اسلامی می‌تواند فرد را ملزم به انجام تکالیف عبادی کند و رعایت حجاب نیز از آنجاکه بر هر زن و مرد مسلمان واجب است، حاکم اسلامی می‌تواند اتباعش را بر آن الزام نماید (۱۱). در این میانه به نظر می‌رسد آنچه از اهمیت والایی برخوردار است، یافتن راه‌حلهایی عاقلانه و برآمده از تدابیر و خرد جمعی و توجه به مصالح و اجتناب از چالش‌ها است.

نظرسنجی‌های منظم علمی و راستی‌آزمایی‌شده از شهروندان، به‌ویژه جوانانی که جامعه هدف چنین سازوکاری محسوب می‌شوند، می‌تواند بستری مشروع، منعطف، بلندمدت و مقبول را برای تصمیم‌سازان و قانون‌گذاران فراهم آورد تا قواعدی مقبول و مفید را تصویب و اجرا کنند. در این پژوهش، «حجاب» به‌معنای پوشش اسلامی متعارف و مورد انتظار در فضای عمومی براساس موازین فقهی و الزامات قانونی جمهوری اسلامی ایران است که شامل رعایت حداقل‌های شرعی پوشش بدن و پرهیز از پوشش‌های مغایر با عرف و هنجارهای رسمی جامعه می‌شود و منظور از «حقوق شهروندی» در

کتبی استفاده شد. استفاده از پرسش‌های باز و تشریحی به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌دهد بدون محدودیت تجارب، باورها و دیدگاه‌های خود را به زبان خود بیان کنند. این روش به‌عنوان یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی به‌کار گرفته می‌شود و این امکان را می‌دهد دیدگاه‌های واقعی مشارکت‌کنندگان درباره موضوع مورد مطالعه آشکار شود. از دانشجویان خواسته شد تا آزادانه به این سؤال به‌صورت مکتوب پاسخ دهند: «تجربیات خود را درباره دلایل موانع رعایت کامل پوشش اسلامی در جامعه ایران و نظر خود درخصوص بهترین نحوه مواجهه با آن و شایسته‌ترین راهکار برای گسترش پوشش اسلامی را بنویسید».

یکی از پژوهشگران پس از توضیح هدف مطالعه و اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، اطمینان داد که همه پاسخ‌ها به‌صورت کاملاً محرمانه و بدون ذکر نام ثبت می‌شود. شرکت در پژوهش داوطلبانه بوده و دانشجویان در هر مرحله از پاسخ‌گویی حق انصراف داشتند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها، متون دریافتی بازخوانی، تایپ و برای تحلیل آماده شدند. تحلیل داده‌ها براساس رویکرد گرانهم و لوندمن انجام شد (۱۲) که شامل مراحل زیر است:

۱. مطالعه مکرر متن پاسخ‌ها برای دستیابی به درکی کلی از محتوای داده‌ها
۲. درنظرگرفتن کل پاسخ هر دانشجو به‌عنوان «واحد تحلیل»
۳. شناسایی واحدهای معنایی (کلمات، عبارات یا جملاتی که دربردارنده یک مفهوم مرتبط هستند)
۴. انتزاع و کدگذاری واحدهای معنایی با توجه به مفاهیم نهفته در آن‌ها
۵. مقایسه کدها براساس تشابه و تفاوت و گروه‌بندی آن‌ها در طبقات مفهومی
۶. استخراج درون‌مایه‌های اصلی (themes) ازطریق مقایسه و تفسیر نهایی طبقات.

به‌منظور اطمینان از صحت و استحکام یافته‌ها از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد. برای ارتقای اعتبار (Credibility)، یکی از پژوهشگران با دقت در بازخوانی مکرر متون، بررسی هم‌زمان داده‌ها با تفسیرها و بازبینی توسط همکاران آشنا به پژوهش کیفی

ایران مجموعه حقوق و تکالیف قانونی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان است که براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منشور حقوق شهروندی و قوانین موضوعه، بر حفظ کرامت انسانی، آزادی‌های مشروع، حق انتخاب در چهارچوب قانون، برابری در برابر قانون و مسئولیت متقابل فرد و جامعه در رعایت هنجارهای عمومی، ازجمله پوشش اسلامی، تأکید دارد. ازاین‌رو، نظرات و نگرش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی، به‌عنوان جوانان صاحب اندیشه و برخوردار از تحلیل که مخاطب تصمیم قانون‌گذاران در امر رعایت پوشش اسلامی نیز هستند، می‌تواند حاوی اطلاعات دست اول جهت گزینش بهترین شیوه‌ها برای پوشش اسلامی در سطح جامعه باشد. بدین جهت این مطالعه با هدف تبیین تجربیات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران نسبت به موانع و راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب با تأکید بر رعایت حقوق شهروندی به‌انجام رسیده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی به‌انجام رسید. هدف از اجرای این مطالعه، کشف و تبیین نگرش‌ها و تجارب دانشجویان درخصوص موانع رعایت کامل پوشش اسلامی در جامعه ایران و شناسایی مؤثرترین راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب با رعایت حقوق شهروندی از دیدگاه آنان بود. تحلیل محتوای کیفی رویکردی نظام‌مند برای دستیابی به درکی عمیق از پدیده‌ها و استخراج مفاهیم و راهبردهای عملیاتی از داده‌های متنی است.

جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در نیم‌سال اول تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که درس «قانون اساسی» را انتخاب کرده بودند. انتخاب شرکت‌کنندگان به‌روش هدفمند صورت گرفت. معیار ورود به مطالعه شامل گذراندن حداقل دو نیم‌سال تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران و توانایی بیان و نگارش نظرات شخصی بود. معیار خروج از مطالعه، ناتوانی در پاسخ‌گویی یا ارائه توضیح ناکافی درباره پرسش پژوهش بود.

به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسش باز و تشریحی -

نگارش مقاله به‌طور کامل حذف شدند.

یافته‌ها

در این پژوهش از روش پاسخ‌گویی مکتوب به سؤال باز استفاده شد. پس از انجام مراحل پیشین، پاسخ‌های کتبی و آزاد ۲۳ دانشجو از دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، پرستاری و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۷ سال مورد بررسی قرار گرفت. پرسش اصلی پژوهش چنین بود: «تجربیات خود را درباره دلایل موانع رعایت کامل پوشش اسلامی در جامعه ایران و نظر خود درخصوص بهترین نحوه مواجهه با آن و شایسته‌ترین راهکار برای گسترش پوشش اسلامی را بنویسید». درنهایت، پاسخ‌های کامل و قابل‌استفاده ۱۵ دانشجو برای انجام تحلیل محتوای کیفی آماده‌سازی شدند (جدول ۱).

اقدام کرد. برای افزایش قابلیت اعتماد (Dependability)، فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت مستند و گام‌به‌گام ثبت شد. تأییدپذیری (Confirmability) از طریق بازبینی نتایج توسط اعضای هیئت‌علمی متخصص و اطمینان از هم‌خوانی یافته‌ها با داده‌های خام صورت گرفت. همچنین، برای افزایش قابلیت انتقال (Transferability) تلاش شد توصیفی غنی و دقیق از زمینه، شرایط و پاسخ‌های شرکت‌کنندگان ارائه شود تا سایر پژوهشگران نیز بتوانند از نتایج این مطالعه در بافت‌های مشابه بهره‌مند شوند. در راستای ملاحظات اخلاقی، این پژوهش پس از اخذ مجوز از معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی مازندران اجرا شد. اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان (مانند سن، جنس، دانشکده و ترم تحصیلی) به‌صورت کلی ثبت شد و تمامی پاسخ‌ها پس از پایان تحلیل و

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کننده	سن	جنس	دانشکده	مقطع تحصیلی	رعایت قوانین پوشش دانشکده
۱	۲۲	دختر	پرستاری	کارشناسی	بله
۲	۲۴	دختر	پزشکی	دکترای عمومی	بله
۳	۲۵	پسر	پزشکی	پزشکی عمومی	خیر
۴	۲۰	دختر	پرستاری	کارشناسی	خیر
۵	۲۳	پسر	بهداشت	کارشناسی	خیر
۶	۲۲	پسر	دارو سازی	دکترای عمومی	خیر
۷	۲۴	پسر	دارو سازی	دکترای عمومی	بله
۸	۲۷	پسر	پزشکی	پزشکی عمومی	بله
۹	۲۴	دختر	پرستاری	کارشناسی	خیر
۱۰	۲۳	دختر	بهداشت	کارشناسی	خیر
۱۱	۲۲	پسر	بهداشت	کارشناسی	بله
۱۲	۲۵	پسر	پزشکی	پزشکی عمومی	خیر
۱۳	۲۶	دختر	پرستاری	کارشناسی	خیر
۱۴	۲۱	دختر	بهداشت	کارشناسی	بله
۱۵	۲۲	دختر	داروسازی	دکترای عمومی	بله

طبقات اصلی این پژوهش شامل «موانع مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب» و «راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب» بودند (جدول ۲).

در مرحله نخست، ۳۵۷ واحد معنایی و ۴۵ زیرطبقه از داده‌ها استخراج شد. پس از انجام فرایندهای کاهش، حذف و ادغام در مراحل مختلف تحلیل، درنهایت، ۲ طبقه اصلی (تم)، ۷ طبقه و ۲۲ زیرطبقه شناسایی شد.

جدول ۲. طبقات اصلی (تم) و طبقات و زیرطبقات و شماره مشارکت‌کنندگان

دین و سلامت، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

طبقات اصلی (تم)	طبقات	زیرطبقات
موانع مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب	نبودن نگرش مثبت و کمبود آگاهی جوانان	کمبود آگاهی از اثرات پوشش نامناسب عرفی ۱۲،۷،۸،۱۴،۱۵ تقویت‌نشدن ایمان جوانان ۱۲،۷،۸،۱۱،۱۴ آشنانبودن با فرهنگ اصیل ایرانی ۱۲،۷،۸،۱۴،۱۵
	وجود چالش‌های فرهنگی در جامعه	داشتن الگوی غربی ۱۵،۸،۱۱،۱۴ مبارزه نرم فرهنگی ۲،۷،۱۴
	اهمیت نحوه مقابله با چالش پوشش اسلامی	پرهیز از قوانین سختگیرانه در ارتباط با پوشش عرفی ۳،۴،۵،۶،۹،۱۳ کنش متقابل با مشکلات اقتصادی ۳،۴،۵،۹،۱۰،۱۲ لجاجت با خانواده و مسئولان ۱۲،۳،۴،۵،۹،۱۲،۱۳،۱۵
راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب	آگاه‌سازی عموم جامعه	توجه به محتوای درسی مدارس و دانشگاه‌ها ۲،۷،۸،۱۴،۱۵ استفاده از رسانه‌های ملی و فراگیر ۷،۸،۱۴
	فرهنگ‌سازی در خانواده - جامعه	ارائه و ترویج الگوی پوشش ایرانی - اسلامی در جامعه ۱۲،۷،۸،۱۴،۱۵ تبلیغ رسانه ای و تولید محصولات فرهنگی ۱۲،۷،۸،۱۴ ارائه سیستم‌های تشویقی حجاب ۱۲،۷،۸،۱۱،۱۴،۱۵ برگزاری مراسم و جشن‌های مذهبی و فرهنگی ۲،۷،۸،۱۱ عرضه مناسب محصولات فرهنگی حجاب ۱۲،۱۴،۱۵
	بهبودی رفاه ملی	انتصاب مسئولان شایسته ۱۲،۳،۵،۶،۷،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۵ ارتقاء سطح رفاه مردم ۲،۳،۵،۷،۹،۱۰،۱۲،۱۴،۱۵ ایجاد فضاهای تفریحی ورزشی مختص بانوان ۱۲،۴،۱۴
نظارت بهینه سازمان‌ها	نظارت بر فروشگاه‌های عرضه پوشاک	نظارت بر فروشگاه‌های عرضه پوشاک ۱۲،۱۱،۱۴،۱۵
	بکارگیری ابزار هوشمند برای گسترش فرهنگ حجاب	بکارگیری ابزار هوشمند برای گسترش فرهنگ حجاب ۱۲،۱۱
	جریمه‌های مادی	جریمه‌های مادی ۳،۲،۵،۱۰،۱۳ ابلاغیه و تذکر کتبی و قانونی ۱۲،۷،۸،۱۱ منع برخورداری از خدمات دولتی ۱۲،۸،۱۱،۱۴

مشارکت‌کننده شماره ۵ نوشت: آشنانبودن با فرهنگ اصیل ایرانی خود عامل رعایت‌نکردن پوشش مناسب است، چون ایرانیان از زمان‌های دور به پوشش مناسب زن ایرانی تأکید داشتند.

شرکت‌کننده شماره ۷ بیان داشت: در دوران باستان اشراف زادگان لباس‌های پوشیده و فاخر داشتند اما بردگان پوشش مناسبی نداشتند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴ مکتوب کرد: پابندی به حجاب نیاز به باور و ایمان قلبی دارد. با زور نمی‌شود کسی را محجبه کرد بلکه نیاز به آموزش و کار فرهنگی دارد.

پاسخ‌دهنده شماره ۷ درج نمود: امروزه اکثر جوانان به دلیل دسترسی راحت به فضای مجازی و ماهواره‌ها از مدل‌های غربی الگو می‌گیرند.

پاسخ مشارکت‌کننده شماره ۱۵ این بود که: دشمنان

دین و سلامت، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

از تجزیه و تحلیل تجربیات مشارکت‌کنندگان، دو طبقه اصلی عوامل مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب و راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب استخراج شد.

موانع مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب

تجربیات دانشجویان از دلایل رعایت‌نکردن پوشش اسلامی، کمبود آگاهی جوانان، تبلیغات سوء فرهنگی و مقابله با چالش‌های پیش‌رو بود. اکثر دانشجویان عوامل آن را کمبود دانش و آگاهی جوانان از فواید پوشش اسلامی و مضرات رعایت‌نکردن آن می‌دانستند ضمن اینکه اکثر قریب به اتفاق، فضای مجازی و رسانه‌های غربی را در برهم‌زدن آرامش جامعه دخیل دانسته و تأکید بر آشنایی جوانان به فرهنگ اصیل ایرانی و تقویت ایمان و باور اسلامی جوانان داشتند.

شرکت‌کننده شماره ۱ نوشت: جوانان امروز آگاهی کامل از حجاب و فواید حجاب ندارند.



ایران و اسلام با استفاده از ترویج پوشش نامناسب می‌خواهند نظم جامعه را برهم بزنند.

تمامی مشارکت‌کنندگان با پوشش غیرعرفی مخالف بوده و تأکید بر رعایت حجاب می‌کردند. برخی نیز دلیل پوشش نامناسب را لجاجت با خانواده، گشت ارشاد، اقدامات نامناسب برخی از مجریان رعایت حجاب و وجود قوانین سخت‌گیرانه در محیط‌های آموزشی فرهنگی درج کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۱ نوشت: بعضی از خانواده‌ها خیلی روی پوشش دخترانشان حساس‌اند و اینجاست که حساسیت زیاد تنفر از پوشش می‌آورد.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ اظهار داشت: برخی قوانین سختی که وجود دارد خود باعث لجاجت می‌شود؛ مثلاً تأکید روی رنگ برخی از فرم‌ها یا مقنعه.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کرد: گاهی آمران به معروف به‌طرز نامناسبی تذکر می‌دهند که خود باعث لجاجت جوانان می‌شود. در قرآن آمده لا اکره فی الدین.

مشارکت‌کننده شماره ۲ درج کرد: برخورد مناسب و روی خوش آمران به معروف می‌تواند روی حرف‌شنوی کم‌حجابان مؤثر باشد.

راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب

تجربیات دانشجویان نشان داد برای راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب باید آگاه‌سازی عمومی از سنین پایین و در خانواده و مدرسه آغاز شود و فرهنگ‌سازی بنیادین در سطح خانواده - جامعه صورت گرفته و هم‌سو با آن لازم است جهت بهسازی رفاه ملی گام‌هایی برداشته شود. همچنین به‌موازات آن نظارت بهینه توسط سازمان‌های ذیربط انجام پذیرد.

آگاه‌سازی عمومی متشکل از دو زیرطبقه با عنوان‌های توجه به محتوای درسی مدارس و دانشگاه‌ها و استفاده از رسانه‌های ملی و فراگیر بود.

مشارکت‌کننده شماره ۸ این‌گونه نظر داد: وقتی در جامعه نگاه می‌کنیم نیاز به بازنگری محتوای درسی مدارس و دانشگاه‌ها هست. تقویت آگاهی و دانش جوانان از میزان بروز فساد و جرم با استفاده از آمارهای قضایی و تقویت باورهای دینی الزامی است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ بیان داشت: حاکمیت باید از تمام ظرفیت رسانه‌های خود برای دادن آگاهی‌های

دین و سلامت، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

لازم و خنثی‌سازی اهداف رسانه‌های غربی کمک بگیرد. مشارکت‌کننده شماره ۷ نوشت: رسانه‌ها نقش مهمی

در فرهنگ‌سازی و رشد و پرورش فضائل اخلاقی دارند.

فرهنگ‌سازی بنیادین در سطح خانواده - جامعه شامل پنج زیرطبقه ارائه و ترویج الگوی پوشش ایرانی - اسلامی در جامعه، تبلیغ رسانه‌ای و تولید محصولات فرهنگی، ارائه سیستم‌های تشویقی حجاب، برگزاری مراسم و جشن‌های مذهبی و فرهنگی، و عرضه مناسب محصولات فرهنگی حجاب بود

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بیان داشت: استفاده از هنرپیشه‌ها و افراد معروف برای الگوسازی خیلی کمک‌کننده است. من خودم خیلی از ستارگان محبوب سینما تأثیر می‌گیرم.

مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان داشت: نیاز است نظارت بیشتری توسط سازمان‌های ذیربط بر محتوای فیلم‌های نمایش خانگی وجود داشته باشد.

نظر مشارکت‌کننده شماره ۳ این بود که: نباید به کم‌حجابان، بی‌احترامی یا توهین شود اما در عوض امکانات ویژه‌ای برای افراد باحجاب قائل شد؛ مثل پاداش‌های نقدی، معاف‌شدن از مالیات، و ...

مشارکت‌کننده شماره ۱۵ بیان داشت: باید دین اسلام را شاد و جذاب نشان داد. باید هزینه‌های بیشتری برای جشن‌های ملی مذهبی انجام داد.

مشارکت‌کننده شماره ۲ نوشت: باید برای عرضه محصولات فرهنگی حجاب تسهیلات بیشتری قائل شد؛ مثل ارزان کردن، حذف مالیات از این مراکز، تبلیغ رایگان این مراکز، بن تخفیف کالا، بخشودگی جرایم رانندگی، ... بهسازی رفاه ملی از دیگر زیرطبقات بود که با زیرطبقات فرعی انتصاب مسئولان شایسته، ارتقاء سطح رفاه مردم، و ایجاد فضاهای تفریحی ورزشی مختص بانوان ظهور یافت.

مشارکت‌کننده شماره ۶ بیان داشت: انتصاب مسئولان و مدیران لایق که به گفته‌های خود متعهد بوده و فرزندان‌شان نیز باحجاب باشند و خودشان نیز افرادی باتقوا و درستکار باشند.

مشارکت‌کننده شماره ۵ نیز اعتقاد داشت: ارتقاء سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی نیز می‌تواند در کاهش پوشش نامناسب ناشی از لجاجت با دولت بکاهد.



مشارکت‌کننده شماره ۱۳ بیان داشت: ای کاش فضاهای حفظ‌شده‌ای مختص زنان برای اینکه بتوانند با خیال راحت ورزش کنند یا حتی بدون حجاب باشند، در سطح شهر ایجاد کنند. مثلاً پارک تفریحی بانوان.

نظارت بهینه توسط سازمان‌های مسئول از زیرطبقات شکل گرفته بود که خود شامل زیرطبقات نظارت بر فروشگاه‌های عرضه پوشاک، به‌کارگیری ابزار هوشمند شناسایی برای گسترش فرهنگ حجاب، جریمه‌های مادی، ابلاغیه و تذکر کتبی و قانونی، و منع برخورداری از خدمات دولتی بود.

مشارکت‌کننده شماره ۲ مکتوب کرد: الان در سطح شهر مانتوهای جلو باز و شلوارهای زاپ‌دار موجود است و مدل‌های مناسب به‌سختی پیدا می‌شوند یا حتی نمی‌شوند. نیاز به نظارت بیشتر روی واردات پوشاک، طراحی لباس و مد لباس است.

نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۱ این بود: به‌جای استفاده از گشت ارشاد از دوربین‌های هوشمند برای گسترش فرهنگ حجاب استفاده کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۶ چنین نظر داد: ضمن تعریف حجاب با قوانین ساده‌تر، جریمه‌های مادی براساس نوع بی‌حجابی تعیین شود.

مشارکت‌کننده شماره ۵ بیان داشت: ... از خشونت خودداری شود و به‌جای آن به ابلاغیه و تذکر کتبی و قانونی و یا پیامک‌ها اکتفا کنند.

نظر مشارکت‌کننده شماره ۸ این بود: بهتر است افراد با عدم پوشش مناسب از استخدام در ادارات دولتی یا دیگر خدمات دولتی به‌دلیل نقض قانون محروم شوند.

بحث

این پژوهش با هدف تبیین تجربیات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در زمینه موانع و راهکارهای گسترش فرهنگ پوشش اسلامی، با تأکید بر حقوق شهروندی از دیدگاه آنان انجام شد. یافته‌های این مطالعه در قالب دو طبقه اصلی شامل «موانع مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب» و «راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب» استخراج شد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش دانشجویان به حجاب، متأثر از برهم‌کنش عوامل فردی، فرهنگی، رسانه‌ای، و ساختاری است و نمی‌توان

آن را صرفاً به یک عامل تقلیل داد.

موانع مؤثر بر گسترش فرهنگ حجاب

یافته‌های مطالعه کنونی نشان داد که در زیرطبقه اصلی عوامل مؤثر گسترش فرهنگ حجاب، سه زیرطبقه نبود نگرش مثبت و کمبود آگاهی جوانان، چالش فرهنگی و اهمیت نحوه مقابله با چالش پوشش اسلامی قرار می‌گیرد. این الگو بیانگر آن است که مسئله حجاب بیش از آنکه یک چالش صرفاً رفتاری باشد، ریشه در لایه‌های شناختی و معنایی دانشجویان دارد.

در مطالعه کریمی‌نیا و همکاران، که با هدف عوامل فرهنگی و اجتماعی گسترش بی‌حجابی در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت، یکی از عوامل مؤثر بر بی‌حجابی را ناشناخته‌بودن فلسفه حجاب در بین جوانان به‌ویژه تبیین‌نکردن مفهوم حجاب در متون آموزشی در نظر گرفته است (۱۴). این یافته با نتایج مطالعه حاضر هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد ضعف در انتقال معنای درونی و کارکردهای اجتماعی حجاب می‌تواند به کاهش پذیرش درونی آن منجر شود.

در مطالعه آتش‌زاده و همکاران با عنوان «عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده رعایت حجاب توسط دانشجویان» که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت، یکی از عوامل اصلی تسهیلگری حجاب در دانشجویان را تقید به معنویات و اخلاق‌مداری بیان شده است. داشتن خوف و رجا و دین‌مداری عامل مهم در رعایت حجاب از یافته‌های اصلی این مطالعه است. از عوامل بازدارنده رعایت حجاب نیز باورهای دینی سطحی و شناخت دینی ناکافی در بین دانشجویان مطرح شده است (۱۵). این نتایج مؤید آن است که دین‌داری عمیق و درونی‌شده، نقش محافظتی در برابر گرایش به پوشش نامناسب ایفا می‌کند؛ امری که در تحلیل داده‌های مطالعه حاضر نیز به‌وضوح مشاهده شد.

در مطالعه علوی و همکاران که با هدف تعیین عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان انجام گرفت نیز یکی از عوامل بنیادی در بی‌حجابی وضعیت دینی دانشجویان بیان شد (۱۶)، بر نقش تعیین‌کننده بُعد اعتقادی در رفتار و پوشش دانشجویان تأکید دارند و با چهارچوب تحلیلی این پژوهش هم‌سو هستند. در رابطه با عوامل فرهنگی و نقش آن در حجاب

موضوعی که در روایت‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز بازتاب داشت.

در مطالعه شارع‌پور و همکاران که با هدف تعیین عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب که در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران انجام گرفت، نتایج نشان داد میانگین گرایش به حجاب در میان دانشجویان ساکن در روستا بالاتر از ساکنان شهر است. همچنین با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان گرایش به حجاب کاهش می‌یابد. ضمناً یافته دیگر مطالعه دلالت بر ارتباط بین عوامل محرک اجتماعی بیرونی با گرایش به حجاب دانشجویان بود. در این مطالعه عوامل محرک اجتماعی موارد (ماهواره، اینترنت، فیلم‌های مبتذل، رواج فرهنگ غربی، اوقات فراغت آسیب‌زا، دوستان ناباب، شکاف نسلی، روابط اجتماعی باز، مدگرایی، و قانون‌گریزی) در نظر گرفته شد (۲۰). این نتیجه پژوهشی با یافته مطالعه کنونی درخصوص شبیخون فرهنگی و نقش آن در گرایش به حجاب هم‌سو است. هم‌سویی این نتایج با یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد شبیخون فرهنگی و فشارهای محیطی، نقش مهمی در بازتعریف هنجارهای پوششی دانشجویان ایفا می‌کنند.

در مطالعه یعقوبیان و همکاران که با هدف تعیین علل گرایش بدحجابی از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام گرفت، مهم‌ترین عوامل گرایش به بدحجابی از دیدگاه دانشجویان براساس اولویت از منظر دانشجویان شامل مدپرستی، جلب توجه دیگران، انتخاب دوست، و اعتقادات دینی اعلام شد. دانشجویان، سایر علل مؤثر بر گرایش به بدحجابی را مواردی مانند فقر فرهنگی، نظارت‌نکردن خانواده‌ها و لج‌بازی به‌خاطر سختگیری بیش‌ازحد دانشگاه بیان کردند (۲۱) که با الگوی تفسیری این پژوهش درخصوص تعامل عوامل فردی و اجتماعی هم‌سو است.

در راستای راهکارهای گسترش حجاب زیرطبقات مطالعه کنونی در چهار زیرطبقه آگاه‌سازی عموم جامعه، فرهنگ‌سازی در خانواده - جامعه، بهسازی رفاه ملی، و نظارت بهینه سازمان‌ها قرار گرفت. در جهت افزایش آگاهی عموم به‌ویژه دانشجویان بایستی تلاش‌های گسترده‌ای برنامه‌ریزی شود و در راستای ارتقای آگاهی دانشجویان نیاز باشد. تحلیل این یافته‌ها نشان می‌دهد

مطالعه‌ای توسط افسری با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح حجاب و عفاف (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)» در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت. نتایج مطالعه نشان داد بین رعایت حجاب اسلامی و عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ارتباط برقرار است. از عوامل مهم مطرح‌شده در یافته‌های مطالعه می‌توان نبود شناخت کافی درباره فلسفه حجاب و ضعف ایمان را نام برد (۱۷). این یافته‌ها حکایت از آن دارد که حجاب پدیده‌ای چندبعدی است و مداخلات تک‌سطحی نمی‌توانند پاسخ‌گوی پیچیدگی آن باشند؛ نتیجه‌ای که در تحلیل نهایی مطالعه حاضر نیز مورد تأکید قرار گرفت.

یکی از یافته‌های مطالعه کنونی چالش فرهنگی به‌عنوان عامل مهم مؤثر بر پوشش نامناسب است. در مطالعه تاج‌بخش که با عنوان «تحلیل کیفی سبک‌های پوشش در بین دانشجویان دختر؛ مورد مطالعه دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)» در سال ۱۳۹۴ انجام شد به جهانی‌شدن فرهنگ، گسترش فناوری‌های مدرن به‌صورت عامل تغییردهنده نگرش درخصوص پوشش و حجاب اشاره کرده است (۱۸). این امر نشان می‌دهد تغییر الگوهای پوشش در میان دانشجویان، در بستری فراتر از انتخاب فردی و در تعامل با جریان‌های فرهنگی فراملی شکل می‌گیرد.

در مطالعات توصیفی - تحلیلی که توسط پازوکی و خوانین‌زاده با هدف آسیب‌شناسی مسئله عفاف و حجاب در بین دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت جامعه و رسانه به‌عنوان یکی از دلایل اصلی رعایت‌نکردن حجاب در بین دانشجویان دختر بیان شد. دانشجویان دختر در این مطالعه ذکر کردند که در رسانه ملی برنامه‌های باکیفیت و متناسب با نیاز دختران در حوزه عفاف و حجاب کمتر ارائه می‌شود. همچنین در این مطالعه بر نقش رسانه ملی در فرهنگ‌سازی اسلامی، ارائه‌دادن الگوی مناسب در نوع پوشش دختران و نداشتن برنامه اعتقادی مناسب رسانه‌ای به‌عنوان یک ضعف بنیادی پرداخته شده است (۱۹). این یافته‌ها حاکی از آن است که خلأ الگوهای فرهنگی رسمی، زمینه را برای تأثیرپذیری بیشتر از الگوهای غیررسمی و بعضاً معارض فراهم می‌سازد؛

که دانشجویان بر رویکردهای ایجابی، اقناعی و ساختاری بیش از رویکردهای صرفاً سلبی تأکید دارند.

برگزاری کارگاه‌های آموزش با تأکید بر فلسفه حجاب و ضرورت آن، برگزاری جلسات گفت‌وگو به صورت پرسش و پاسخ باز در مورد ضرورت حجاب و عواقب پوشش نامناسب در جامعه انجام گیرد. ضمناً در راستای ترغیب دانشجویان روند کاهش سختگیری در رنگ لباس و نوع پوشش و تشویق به حفظ حجاب در محدوده اسلام، گزینش آمرین به معروف و ناهیان از منکر به‌ویژه در مراکز دانشگاهی، عملیاتی شود.

در مطالعه حاضر یکی از عوامل مهم در راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب استفاده از رسانه‌های ملی است. در مطالعه سبزواری که با هدف بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر فرهنگ پوشش دانشجویان انجام گرفت، نتایج نشان داد بین رسانه‌های عمومی و ابعاد فرهنگ حجاب، همبستگی معناداری وجود دارد. رسانه ملی با گرایش به حجاب ارتباط مثبت دارد ولی در رابطه با استفاده از رسانه‌هایی نظیر ماهواره، شبکه‌های اجتماعی، و اینترنت با رعایت حجاب ارتباط منفی برقرار است. طبق پیشنهادهای کاربردی این تحقیق نیاز است که در مقابله با جنگ نرم علیه فرهنگ و ملت ایران از رسانه ملی با قدرت بیشتری استفاده شود و نیاز است سواد رسانه‌ای در دانشگاه و حتی در دبیرستان‌ها آموزش داده شود (۲۲). این یافته‌ها نشان می‌دهد بدون ارتقای سواد رسانه‌ای و بازتعریف نقش رسانه‌های رسمی نمی‌توان انتظار تقویت پایدار فرهنگ حجاب را داشت؛ تحلیلی که با پیشنهادها مشارکت‌کنندگان مطالعه حاضر هم‌خوان است.

یکی از موارد تأثیرگذار در موضوع حجاب که در یافته‌های این مطالعه به آن پرداخته شد و در جدول شماره ۲ در طبقات و زیرطبقات منعکس شد، توجه به نقش خانواده با عنوان لجاجت با خانواده و لزوم فرهنگ‌سازی در خانواده است، عباس آینه‌چی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در تحقیق خود گزارش می‌کنند که حجاب و عفاف به عنوان یک پدیده فردی - اجتماعی با متغیرهای روانی و اجتماعی در ارتباط است و نتیجه می‌گیرند که عوامل روان‌شناختی از جمله سازه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی درون‌زاد فرد و ویژگی‌های برون‌زاد، حاصل از

تربیت خانوادگی که در درجات و ضرایب مختلف در افراد نمایان می‌شود با وضعیت حجاب و عفاف مرتبط است. همچنین حجاب و عفاف بر برخی مؤلفه‌های روان‌شناختی مانند سلامت روان، آرامش، و امنیت روانی، تأثیرگذار است که با یافته‌های این مطالعه هم‌سو است (۲۳). این هم‌سویی نشان می‌دهد مداخلات فرهنگی بدون توجه به بستر خانواده، اثربخشی محدودی خواهند داشت.

می‌توان ضعف‌های اعتقادی و روانی را که منجر به پذیرش پوشش نامناسب می‌شوند ناشی از عدم آگاه‌سازی عمومی جامعه و فرهنگ‌سازی مناسب دانست که در این مطالعه به آن اشاره شد و در تحقیق سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۲) نیز گزارش شده است. در تحقیق فوق‌الذکر که مشارکت‌کنندگان را ۱۵۰ دانش‌آموز ۸ تا ۱۲ ساله از شش استان کشور تشکیل می‌دادند، مشوق‌های رعایت حجاب را مضمون‌های قوت اعتقادی، قوت الگویی، قوت روانی و هیجانی، آگاهی اجتماعی و استواری و بالندگی تشکیل می‌داد و بازدارنده‌های حجاب در مضمون‌های ضعف فردی انگیزشی، میل به خودنمایی، ضعف اعتقادی، ضعف دانشی بینشی و تهدیدات خانوادگی - اجتماعی طبقه‌بندی شده بود (۲۴) که از جهات مختلفی با یافته‌های این مطالعه مشابهت داشتند و مؤید آن است که ضعف‌های اعتقادی و روانی ریشه در کاستی‌های آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی دارند؛ نتیجه‌ای که در تحلیل نهایی مطالعه حاضر نیز استنتاج شد.

نیک هاپکینز (Nick Hopkins) و همکاران (۲۰۱۳) که با ۲۲ زن مسلمان با اصلیت‌های پاکستانی، عربستان سعودی و اسکاتلندی مصاحبه کرده است، عناصر هویت یابی و افزایش مسئولیت پذیری را در نگهداشت حجاب برای زنان مسلمان برجسته می‌داند و گزارش می‌دهد که حجاب چگونه می‌تواند برای نمایان کردن هویت و برای آگاهی فرد از خود به عنوان نماینده گروه مؤثر باشد و از سوی دیگر برخی از مصاحبه‌شوندگان گزارش داده‌اند که حجاب را به این دلیل انتخاب کرده‌اند که موجب افزایش مسئولیت‌پذیری فرد به عنوان یک مسلمان شده و در نتیجه تشویق‌کننده عملکردهایی است که دستورات اسلامی را در رفتار روزمره بهتر تحقق می‌بخشد (۲۵). در این مطالعه نیز تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، اقناع درونی افراد را که



درباره جریان‌های فرهنگی معارض با بنیان خانواده اقدام کند و هنرمندان را برای تولید آثار فاخر فرهنگی در راستای تقویت و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب تشویق کند. افزون‌براین، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری نیز ملزم شده‌اند تا آموزش و ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و فرهنگ عفاف و حجاب را در تمامی پایه‌های تحصیلی متناسب با سن و جنسیت دانش‌آموزان و دانشجویان، از طریق طراحی بسته‌های یادگیری، برنامه‌های آموزشی، متون درسی، جشنواره‌ها، اردوهای فرهنگی و تربیتی، و تولید محتوای چندرسانه‌ای تعاملی دنبال کنند. همچنین، این وزارتخانه‌ها موظف‌اند طرح‌های پژوهشی کلان و میان‌رشته‌ای و پایان‌نامه‌های مرتبط با راهبردهای گسترش سبک زندگی اسلامی و فرهنگ عفاف و حجاب را اولویت‌بخشی، چاپ، انتشار دهند و در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و فرهنگی به‌کار گیرند. هم‌خوانی پیشنهادها مشارکت‌کنندگان با مفاد «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» مصوب ۱۴۰۲ نشان‌دهنده پیوند میان ادراک اجتماعی دانشجویان و سیاست‌گذاری رسمی در این حوزه است و می‌تواند پشتوانه‌ای برای اجرای مؤثرتر این سیاست‌ها فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این مطالعه، تجربیات دانشجویان نشان می‌دهد بروز پوشش نامناسب در جامعه حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی، فرهنگی و ساختاری است. نبود نگرش مثبت و کمبود آگاهی جوانان به فلسفه و کارکردهای پوشش اسلامی، در کنار وجود چالش‌های فرهنگی و تأثیر تهاجم فرهنگی، از دلایل اصلی تضعیف پایبندی به پوشش اسلامی محسوب می‌شود. افزون‌براین، چگونگی مواجهه با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با پوشش اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای پوششی دانشجویان دارد. یافته‌ها همچنین نشان داد فقدان استانداردهای عملی و کاربردی در زمینه پوشش اسلامی و عدم انطباق کامل آن با الزامات بهداشتی و درمانی، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی و درمانی، از موانع مهم رعایت حجاب به‌شمار می‌آید. درمقابل، لزوم آگاه‌سازی عمومی جامعه،

برآمده از آگاهی کافی نسبت به مزایای حجاب است برای پیشگیری از پوشش نامناسب مؤثر دانسته‌اند، از قبیل هم‌هویت‌شدگی با فرهنگ اصیل ایرانی و پوشش فاخر و باوقار ایرانیان که این پوشش را مؤثر در حجب و حیای بانوان ایرانی و فضیلت‌های اخلاقی وی می‌دانستند. همچنین در پژوهش حاضر اقناع درونی و هم‌هویت با فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی به‌عنوان عامل بازدارنده پوشش نامناسب مطرح شد که بیانگر کارکرد هویتی حجاب فراتر از الزام اجتماعی است.

در این مطالعه، یکی از زیرطبقات مربوط به «راهکارهای گسترش فرهنگ حجاب»، بر نقش نظارت مؤثر و نظام‌مند سازمان‌ها تأکید داشت. شرکت‌کنندگان در راستای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه پیشنهادهایی از جمله نظارت دقیق بر فروشگاه‌های عرضه پوشاک، به‌کارگیری ابزارهای هوشمند شناسایی برای ترویج فرهنگ حجاب، اعمال جریمه‌های مالی، ابلاغ تذکرات قانونی و کتبی، و محدودسازی بهره‌مندی از خدمات دولتی را مطرح کردند. این داده‌بایی‌ها نشان داد دانشجویان، در کنار راهکارهای فرهنگی، بر ضرورت هم‌سویی سیاست‌های اجرایی، نظارتی و حمایتی با فرایند فرهنگ‌سازی تأکید دارند.

شایان ذکر است که بخشی از این پیشنهادها در «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» مصوب سال ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی نیز لحاظ شده است. براساس ماده ۳ این لایحه تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط موظف شده‌اند تا در چهارچوب دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان، نسبت به آموزش سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور با تأکید بر تعهد زوجین به یکدیگر و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب اقدام کنند. همچنین طبق ماده ۵، کارگروه ساماندهی مد و لباس مکلف شده است دستورالعمل‌هایی برای طراحی، تولید و عرضه پوشاک و نیز تعیین استانداردهای واردات لباس متناسب با سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و فرهنگ عفاف و حجاب تدوین و ابلاغ کند.

در این لایحه همچنین سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف شده است با محوریت مخاطبان کودک و نوجوان، در جهت معرفی و ترویج الگوها و نمادهای سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و آگاه‌سازی



فرهنگ‌سازی در خانواده، بهسازی و ارتقای رفاه ملی، و نیز نظارت بهینه و هدفمند سازمان‌ها، به‌عنوان محورهای اساسی در مواجهه مؤثر با چالش پوشش اسلامی از دیدگاه دانشجویان مطرح شد.

درمجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پرداختن به مسئله پوشش اسلامی مستلزم رویکردی جامع و هماهنگ است که هم‌زمان به ارتقای آگاهی، تقویت نگرش مثبت، اصلاح بسترهای فرهنگی و اجتماعی، و بهبود سازوکارهای اجرایی و نظارتی توجه داشته باشد.

محدودیت‌های مطالعه

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش، تمایل‌نداشتن برخی دانشجویان به مشارکت و بیان تجربیات شخصی به‌دلیل نگرانی از افشای هویت آنان بود. بااین‌حال، پس از ارائه توضیحات کامل درباره محرمانه‌بودن اطلاعات و اطمینان‌بخشی درباره ناشناس‌ماندن پاسخ‌ها، همکاری و مشارکت آنان جلب و دسترسی به داده‌های لازم تسهیل شد. محدودیت دیگر منحصربودن جامعه پژوهش به مقطع زمانی خاص و گروه مشخصی از دانشجویان بود. بدیهی است گسترش جامعه پژوهشی به دانشجویان سال‌های آغازین و پایانی می‌تواند در پژوهش‌های آتی به تعمیق و تکمیل نتایج بینجامد.

پیشنهادها

براساس نتایج پژوهش، شایسته است آموزش و آگاه‌سازی درباره فواید و ابعاد پوشش اسلامی از سنین پایین و از خانواده و مدرسه آغاز شود و فرهنگ‌سازی مستمر در جامعه و خانواده به‌عنوان رویکردی اساسی

دنبال شود. هم‌زمان، ارتقای رفاه عمومی و تقویت نظارت کارآمد نهادهای مسئول ضروری است. همچنین افزایش نظارت سازمان‌هایی مانند اماکن و اصناف بر عرضه پوشاک و انجام پژوهش‌های آتی در زمینه بسته‌های آموزشی، الگوهای سبک زندگی اسلامی و راهکارهای نوآورانه برای تقویت پذیرش پوشش اسلامی توصیه می‌شود.

ضمناً پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با رویکردی تطبیقی در کشورهایی که پوشش اسلامی رایج است اما سیاست‌های تنبیهی و تشویقی رسمی اعمال نمی‌شود انجام گیرد. همچنین اولویت‌بندی راهکارها با بهره‌گیری از نظریه‌های روان‌شناسی فردی و اجتماعی می‌تواند به شناسایی مداخلات مؤثرتر و پرهیز از پیامدهایی نظیر تقویت رفتارهای ظاهری و غیراصیل، به‌ویژه در شرایط اقتصادی دشوار، کمک رساند.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان تلاش کردند این پژوهش با رعایت موازین اخلاقی به‌انجام برسد و نتایج به دور از هرگونه جهت‌گیری غیرعلمی انتشار یابد.

تشکر و قدردانی

این مطالعه حاصل طرح تحقیقاتی مصوب در دانشگاه علوم پزشکی مازندران با کد اخلاق IR-MAZUMS.REC.1402.573 بوده است. پژوهشگران از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به‌دلیل حمایت مالی و از مشارکت‌کنندگان برای نگرش تجارب و نظریات خویش قدردانی می‌کنند.

References

1. Asgariyazdi A, Musavi SAM. Analytical Study of Hijab in The Islamic Republic of Iran. *Contemp Res Islamic Revol*. 2021;3(7):17-36.
2. Sera Jazadeh SH, Javaheri F, Rahmati E. Covering women and feeling safe in public spaces. *Iran J Soc Stud*. 2014;9(2):135-59.
3. Azimian M, Beheshti S. The Philosophy and Realm of Hejab in Islam and its Educational Effects. *J Islam Educ*. 2009.
4. Ghirtmand S. Individual and social effects of hijab and its role in women's social security. *Islam Soc Res*. 2013;20(103):161-89.
5. Spilman SK, Neppel TK, Donnellan MB, Schofield TJ, Conger RD. Incorporating religiosity into a developmental model of positive family functioning across generations. *Dev Psychol*. 2013;49(4):762.
6. Fazalalahi S. The underlying causes of Islamic coverage and ways to promote it among female university students. *J Cult*

- Stud Islam Univ. 2012.
7. Mohammadi A, Meysam G. Attitudes toward veil among women aged 15 years and above in Ilam city and its relationship with demographic variables. *Ilam Cult*. 2016;16(50):37-62.
 8. Javed M, Shahmoradi E. Islamic Republic of Iran and the issue of veiling. *Women Cult Art*. 2019;9(1):139-64.
 9. Mousavi F, Seyyed Mohammad R, et al. A sociological research on feigning haram acts in women in the form of Islamic jurisprudence and criminology teachings with an emphasis on police missions. *Legal Civiliz*. 2023;5(11):589-608.
 10. Talebi B, Karimi F. Explain student girls' perception of how to wear veils in schools where the tents are mandatory. *Q J Woman Soc*. 2020;11(41):111-28.
 11. Mahdavidadegan D. A research on the governmental requirement of hijab rule. *Q Women's Cult Soc Counc*. 2016;9(36):9-50.
 12. Graneheim U, Lundman BL. Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Educ Today*. 2004;24(2):105-12.
 13. Strubert Speziale H, Alen J, Carpenter D. *Qualitative Research in Nursing*. Philadelphia: Williams & Wilkins; 2003.
 14. Kariminiya M, Al Kathirov AM. Analysis of cultural-social factors of the spread of bad hijab. *Stud Res Behav Sci*. 2020;3(8):36-46.
 15. Ateshzadeh Shurideh F, Mohtashmi J, Abdul Jabari M, Karamkhani M. Facilitating and inhibiting factors of full hijab observance by students: a qualitative study. *JRRH*. 2016;2(3):14-24.
 16. Alavi SH, Hojjati R. Factors effective in the hijab of girls of Shahid Bahonar University of Kerman. *Sci Q Islam Educ*. 2016;2(4):63-88.
 17. Afsari L. Investigating effective factors on improving the level of hijab and chastity (case study: female students of Islamic Azad University, Abhar Branch). *Appl Res Behav Sci*. 2013;4(13):40-15.
 18. TajBakhsh GH. Qualitative analysis of clothing styles among female students; Subject of study: Grand Ayatollah Borujerdi University (RA). *Cult Islam Univ*. 2019;9(3):403-18.
 19. Karbalai Pazouki A, Karami KM. Pathology of the issue of chastity and hijab among undergraduate female students of Allameh Tabatabai University. *Cult Couns Psychother*. 2013;5(18):159-83.
 20. Sharapour M, Taqvi SZ, Mohammadi M. Sociological analysis of factors affecting the tendency to wear hijab, a case study: Tendency to wear hijab among female students of Mazandaran University. *Cult Res*. 2013;5(3):1-29.
 21. Yaqoubiyan N, Bakui F, Ghanbari M. The causes of the tendency to wear hijab from the point of view of female students of Babol University of Medical Sciences. *Islam Health Mag*. 2013;1(3):17-22.
 22. Khatami Sabzevari J. Investigating the effect of mass media use on the culture of students. *Cult Islam Univ*. 2017;6(4):585-600.
 23. Ayenechi A, Arab Khorasani S. Meta-analysis of psychological variables related to hijab and chastity. *Cult Educ Q Women Fam*. 2023;18(63):153-80.
 24. Saidi Rizvani M, Gholami F. Incentives and barriers to wearing hijab from the eyes of elementary school girls. *Educ Cult Women Fam*. 2023;18(62):293-322.
 25. Hopkins N, Greenwood RM. Hijab, visibility and the performance of identity. *Eur J Soc Psychol*. 2013;43(5):438-47.